

# سید مرتضی علم الهدی زندگی و آثار

عباس کمساری

روز هفتم ربيع الثاني مصادف است  
منتظران تاباند.

با درگذشت سید مرتضی علم الهدی،  
آن بزرگ مرد تاریخ جهان تشیع، و به هدف بخش و سازنده برای جهان  
همین مناسبت نگاهی خواهیم داشت  
تشیع گردید؛ به گونه‌ای که آثار علمی  
و زندگی اجتماعی و شخصیت  
معنوی اش برای همه انسانها آموزنده  
از دوران حیاتش.  
و الهام‌بخش شد.

## مقدمه

شخصیت بارز و روح بلند او،  
روح تلاش و دانش را در کالبد  
انسانها می‌دمد و ابعاد گوناگون وی،  
اعماقی از وجود شگفتانگیز اشرف  
مخلوقات، «انسان» را می‌نمایاند و

یک قرن از غیبت خورشید پر  
فروغ آسمان امامت و ولایت -  
حضرت مهدی علیه السلام - می‌گذشت، که  
ستاره‌ای از افق بغداد درخشیدن  
گرفت و نور امیدی بر دل عاشقان و

مرتضی»، «سید مرتضی» و ...  
می باشد.

پدر او، «ابو احمد حسین» از  
مفاخر دودمان پیامبر ﷺ و شخصیت  
سرشناس عصر، و عنصری شریف و  
نجیب و مردی با تدبیر و لایق و مورد  
احترام عام و خاص بود که منصب  
نقابت و رسیدگی به کار و زندگی  
садات دودمان ابوطالب و مسئولیت  
ناظرت بر دیوان مظالم و سربرستی  
زائران خانه خدا را که از منصبهای

۱. مهم آن روزگار بود به عهده داشت.  
ابن ابی الحدید می نویسد: «ابو  
احمد» در میان خلفا و سلاطین آل  
بویه<sup>۲</sup> و امرای حمدانی سوریه، مقامی  
والا داشت. او مردی با مهابت و

۱. مفاخر اسلام، علی دواني، انتشارات امیر کبیر،  
سال ۱۳۶۳ ش، ج ۳، ص ۲۶۸.

۲. حاکمان آل بویه که شیعه بودند از نیمه دوم  
قرن چهارم تا آخر قرن پنجم، حدود ۱۱۳ سال  
بر قسمت وسیعی از جهان اسلام حکومت  
کردند.

قله های تعالی را فرا روی انسان قرار  
می دهد.

در این مقال، با سیمای نورانی  
بزرگ مردی از علمای شیعه آشنا  
می شویم که نه تنها افتخار شیعه  
است، بلکه جهان اسلام به او مفتخر  
و شخصیت معنوی و آثار علمی و  
زندگی اجتماعی او برای همه نسلها و  
عصرها، آموزنده و الهام بخش است.

### ولادت

دانشمند بزرگ و نابغه قرن چهارم  
و پنجم، «سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup>» در ماه  
رجب سال ۳۵۵ هجری، در شهر  
بغداد دیده به جهان گشود. نامش  
علی فرزند «ابو احمد حسین» فرزند  
موسى بن محمد بن موسی بن ابراهیم  
مجاب فرزند امام موسی کاظم<sup>علیه السلام</sup>  
است که نسب او با پنج واسطه به امام  
هفتم<sup>علیه السلام</sup> می رسد.

القباب او، «علم الهدی»،  
«ذو المجدین»، «ابوالقاسم»، «شریف

این رؤیاها، خوابی است که مرحوم شیخ مفید علیه السلام در آستانه تحصیل سید مرتضی علیه السلام دید.

گروهی از مورخان و دانشمندان از جمله ابن ابی الحدید معترضی نقل می‌کنند که شیخ شیخ مفید علیه السلام در عالم خواب می‌بیند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دست دو فرزندش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را گرفته و به نزد او آورد و پس از سلام به وی فرمود: «يا شیخ! علّهمما الفقه؛ اي شیخ! به این دو علم فقه و احکام دین بیاموز!» شیخ بعد از بیدار شدن، از آن رویا متحیر و در شگفت ماند، تا اینکه

ساعات درس فرارسید و او به طرف مسجد «برائا» واقع در محله شیعه‌نشین بغداد «گرخ» حرکت کرد و تدریس خود را آغاز نمود. پس از پایان درس، زنی با وقاری خاص، در حالی که دست دو پسرش را گرفته بود و اطرافش را زنانی احاطه کرده

بزرگ‌منش بود. دست به هیچ کار مشکلی نزد جز اینکه آن را به انجام رسانید و با همت عالی و حسن تدبیر به پایان برد.<sup>۱</sup>

مادرش نیز بانوی علوی نژاد و همنام دخت گرامی پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم یعنی فاطمه بود که نسبش با چهار واسطه به امام زین العابدین علی بن الحسین علیهم السلام می‌رسد.<sup>۲</sup>

مرحوم شیخ مفید علیه السلام کتاب «احکام النساء» خود را به درخواست او به رشته تحریر درآورد و در مقدمه کتابش به این مطلب اشاره دارد.

### آغاز تحصیل

به یقین برخی از رؤیاها در صداقت و راستی، بی‌شباهت به الهام و رهنمودهای غیبی نیستند؛ یکی از

۱. مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، انتشارات دارالحیاء الكتب العربية، ۱۳۷۸ هـ ج ۱، ص ۴۱.

۲. مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۷۷.

## استادان

سید مرتضی<sup>ره</sup> تا آن زمان که خود بر فراز کرسی استادی تکیه زد، در نزد شماری از پاکان عصر خویش برای فraigیری علوم آسمانی، به ادب زانو زد و بهره‌ها برد. تاریخ، نام بزرگانی را در شمار استادان این انسان والا مقام بر شمرده که در ذیل از بعضی از آن خداترسان پارسا، به اختصار یاد می‌کنیم:

۱. شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق)؛ او در شکل‌گیری شخصیت علمی و معنوی سید مرتضی<sup>ره</sup> نقشی اساسی داشت. شیخ مفید از علمای بزرگ مذهب امامیه است که علاوه بر عهده‌داری مسئولیتهای اجتماعی و تربیت شاگردان ممتاز، در آن زمان حدود دویست جلد کتاب برای آیندگان و دانش‌پژوهان تألیف کرد. شخصیت ایشان به قول نجاشی، رجالی مشهور از جایگاهی برخوردار

بودند، وارد مسجد شد و سلام کرد. وقتی شیخ مفید<sup>ره</sup> او را شناخت، به احترام او از جا برخاست. پس از احترامات معمول، فاطمه، مادر کودکان، استاد را مخاطب قرار داد و گفت: «یا شیخ! علّمْهُما الفِقْه». با رویداد این قضیه، مرجع بزرگ

عالم تشیع، از خواب شب گذشته خود و این تعبیر صادق، در شگفت ماند و گریست؛ پس خواب خود را برای آن بانوی مخدره و کودکانش و حاضران نقل کرد و با کمال اشتیاق تعلیم و تربیت آنان را بر عهده گرفت و در ارتقاء آنان به درجات علمی و عملی همت بسیار گماشت و درهای علوم و معارف اسلامی را به روی آنان گشود، تا آنکه هر دو برادر، سید رضی<sup>ره</sup> و سید مرتضی<sup>ره</sup>، از نوابغ روز و عالمان دهر شدند.<sup>۱</sup>

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱،

ص ۴.

می‌گوید: «اوی دانشمندی بزرگ، پاسدار احادیث، آگاه به رجال و نقاد اخبار بود که در میان قمیها کسی در پاسداری از علم حدیث و دانش زیاد همانند او دیده نشده و حدود ۳۰۰ کتاب تالیف کرده است.»<sup>۳</sup>

۴. حسین بن علی بن بابویه، برادر شیخ صدوق؛ او فقیهی بزرگوار و محلی شناخته شده است که از پدر و برادرش حدیث نقل کرده. مرحوم شیخ اسد... شوستری می‌گوید: «او و برادرش (شیخ صدوق) با دعای امام حسن عسکری<sup>علیه السلام</sup> و ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> به دنیا آمدند.»<sup>۴</sup>

در ردیف استادان علم الهدی نام بزرگان دیگری هم به چشم می‌خورد که ما به موجب اختصار، فقط به ذکر نام آنان بسته می‌کنیم:

۳. الفهرست، شیخ طوسی، انتشارات فقاوت، سال ۱۴۲۹ق، ص ۱۵۷.

۴. شرح لمعه، شهید ثانی، چاپ بیروت، الطبعه الثانية، ۱۳۸۹هـ، ج ۹، ص ۲۶۵.

است که فضل و برتری او در فقه، کلام، روایت، علم و وثاقت مشهورتر از آن است که توصیف و تعریف شود.<sup>۱</sup>

۲. ابو محمد هارون بن موسی تلعمکبری (متوفی ۳۸۰ق)؛ او دانشمند و فقیهی برجسته و کم نظر بود و از جمله راویان مشهور است که از مرحوم کلینی<sup>ره</sup> روایت نقل کرده است.<sup>۲</sup>

۳. شیخ صدوق (متوفی سال ۳۸۱ق)؛ بزرگی شخصیت صدوق آنچنان است که دانشمندان معروف اسلامی - اعم از شیعه و سنی - هر جا به نام او رسیده‌اند، زبان به مدح او گشوده و او را به بزرگی یاد کرده و با لقبهای بلند و عبارتهای پر معنا از او نام برده‌اند. مرحوم شیخ طوسی<sup>ره</sup>

۱. الغدیر فی الكتاب والسنۃ والادب، علامہ شیخ عبدالحسین امینی، بیروت، دارالكتاب العربي، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق، جلد ۴، ص ۲۷۵.

۲. مفاحیر اسلام، ج ۴، ص ۲۷۶.

ذیل به اختصار بدانها می‌پردازیم:

### الف. شاگردان

هر کدام از شاگردان سید در عصر خود، از عالمان و اندیشمندان برجسته و فقیهان مشهور بوده‌اند که به واسطه جهد و کوشش خود، بسیاری از مجاهولات علمی را رمزگشایی نموده‌اند. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شیخ طوسی<sup>۱</sup>; وی پنج سال پس از ورود به بغداد (که آن زمان مرکز علوم اسلامی و حوزه دینی تشعیع به شمار می‌رفت). و استفاده از محضر اساتیدی مانند شیخ مفید<sup>۲</sup>، با اینکه خود در این زمان از صاحب‌نظران علم فقه و حدیث بود، با کمال تواضع در مجلس درس سید مرتضی حاضر شد و بیست و سه سوال از محضر او علم و ادب آموخت.<sup>۳</sup>

۱. احمد بن علی بن سعید کوفی؛
۲. محمد بن عمران کاتب مرزبانی؛
۳. ابو یحیی ابن نباته؛ ۴. ابوالحسن علی بن محمد بن کاتب؛ ۵. ابوالقاسم عبدالله بن عثمان بن یحیی؛ ۶. احمد بن سهل دیباچی.<sup>۴</sup>

### آثار ماندگار

پس از رحلت مرجع و رهبر بزرگ شیعیان، شیخ مفید<sup>۵</sup> در سال ۴۱۳ق، هدایت کشته طوفان زده شیعه به عهده سید مرتضی<sup>۶</sup> گذاشده شد. سید در بسیاری از علوم مانند: کلام، فقه، اصول، ادب و شعر، نحو و لغت و تفسیر و ... تبحر خاص و مثال زدنی داشت. در یک نگاه، آثار به جای مانده از علم الهدی را می‌توان در سه مبحث ۱. شاگردان، ۲. حوزه درس او، و ۳. تألیفات پی‌گیری کرد که هر یک از این مباحث دارای ویژگیهای خاص خود است که در

۲. هزاره شیخ طوسی، علی دواني، انتشارات

۱. الغدیر، ج ۴، ص ۲۷۱.

۴. قاضی ابن برّاج طرابعلی؛ او از فقیهان و دانشمندان و شاگرد مشهور سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup> است.

نام شمار دیگری از شاگردان سید که در کتب معتبر بدانها اشاره شده است عبارتست از:

شريف ابويعلى محمد بن حسن بن حمزة بن جعفر<sup>علیه السلام</sup>، ابو الصمصام مروزی، سید نجیب الدین موسوی، سید تقی رازی، ابوالفتح کراجکی، شیخ ابوالحسن سلیمان صهرشی، شیخ مفید ثانی، ابن قدامه.<sup>۳</sup>

ب. حوزه درسی  
حوزه درس علم الهدی<sup>علیه السلام</sup>  
ویژگیهای خاص داشت که به سختی می‌توان نمونه آن را در درس دیگر عالمان یافت. از ویژگیهای درس او این بود که همه افراد با هر عقبده و

۲. ابویعلی سلار دیلمی؛ او از فقهای بزرگ شیعه و از ژرفاندیشان عصر خود بود که از منطقه دیلم (شمال ایران) به بغداد هجرت کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup> بهره‌مند گردید، و به واسطه پشتکار و استعداد زاید الوصفش توانست فوق العاده مورد توجه استادش قرار گیرد و جانشین او در منصب قضا در شهرهای حلب گردد.<sup>۱</sup>

۳. ابوالصلاح حلبی؛ او نیز از عالمان و فقیهان مشهور است. این شهر آشوب می‌گوید: «ابوالصلاح از شاگردان سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup> است و کتابی دارد به نام «بدایه» در فقه و شرحی دارد بر کتاب «ذخیره» سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup>.<sup>۲</sup>

امیرکبیر، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۳.

۱. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، سید محمد باقر خوانساری، انتشارات دارالسلامیه، بیروت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲. مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۲۷۱.

می کردند؛ حتی گاهی استاد عالی قدرش، مرحوم شیخ مجید<sup>ره</sup> در درس او حضور می یافت.

ج. دارالعلم و یاری دانشمندان یکی از آثار جاویدان مرحوم سید مرتضی<sup>ره</sup> که سبب برکات بی شماری برای طالبان علوم دینی محسوب می شد، «دارالعلم و کتاب خانه» او بود. در آن سالها در شهر بغداد کتابخانه ای وجود نداشت؛ از اینرو سید<sup>ره</sup> بر آن شد تا بخشی از خانه خود را به اهل علم اختصاص داده و در آنجا کتابخانه ای دایر نماید تا دانش پژوهان با استفاده از آن کتابخانه به تحقیق و مطالعه بپردازنند.

«ابن طی» می گوید: «اولین کسی که خانه اش را دارالعلم نمود و برای مباحثه و مطالعه و مناظره قرار داد، سید مرتضی<sup>ره</sup> بود.»<sup>۲</sup>

«ابوالقاسم تنونی» قاضی مدائی و

بینشی می توانستند در محضر او حضور یابند و از علوم او بهره مند گردند.

نقل شده، زمانی مردی یهودی که از قحطی و تنگdestی رنج می برد به محضرش رسید و از او تقاضای آموزش علم نجوم کرد. سید با گشاده رویی از این امر استقبال نموده و آموزش او را آغاز کرد و دستور داد مانند دیگر طلاب برای او نیز مبلغی جهت امداد معاش قرار دهند. پس از گذشت مدتی نه چندان طولانی، مرد یهودی که مصاحب علم الهی را درک کرده و تحت تأثیر عظمت روحی و برخوردهای عزت مدار او قرار گرفته بود، مسلمان شد.<sup>۱</sup>

خصوصیت دیگر درس او این بود که بزرگان بسیاری در آن شرکت

۱. اعيان الشيعه، سیدمحسن امين عاملي، چاپ بيروت، انتشارات دار التعارف للمطبوعات،

۲۱۴ هـ ج ۸ ص ۲۶۸

عقلی، نقلی و فروع و اصول است که بعضی از آنها مانند «الشافی» چند مجلد است و برخی نیز مختصر.

مرحوم علامه امینی<sup>۲</sup> در الغدیر، نام ۸۶ اثر او را بیان کرده است،<sup>۳</sup> که به اختصار به چند اثر مهم اشاره می‌کنیم:

۱. الشافی؛ این کتاب که به گفته شاگردش، شیخ طوسی<sup>۴</sup> ماندش تصنیف نشده، در رده و نقد بخش «امامت» کتاب «المغنی» قاضی القضاط عبد الجبار بن احمد معزالی، دانشمند بلند آوازه عامه است. سید مرتضی<sup>۵</sup> با توجه به اهمیت کتاب «المغنی» و انعکاسی که استدلالهای آن در بحث امامت در اندیشه‌ها بر جا گذاشته بود، «الشافی» را تألیف کرد. ایشان در این کتاب، نه تنها استدلالهای قاضی القضاط را ماهرانه و محققانه پاسخ گفته، بلکه تمام

از شاگردان سید می‌گوید: «کتابخانه علم الهدی، دارای هشتاد هزار جلد کتاب بود که او آنها را خوانده یا تألیف کرده و یا مطالب آنها را به خاطر داشت».<sup>۶</sup>

عمل ارزشمند دیگری که سید<sup>۷</sup> در این زمینه انجام داده است، این بود که مقداری از املاک متعلق به خود را برای تأمین کاغذ دانشمندان و فقهاء وقف نمود.<sup>۸</sup> او با این کار خود، بسیاری از مشکلات فرا روی آن روز آنها را مرتفع کرد.

#### د. تأییفات

خداوند متعال به مرحوم علم الهدی، ذوق و استعدادی سرشار داده بود و او نیز از این نعمت بزرگ الهی به خوبی بهره‌برداری کرد.

كتب و تأییفات مرحوم سید<sup>۹</sup> در انواع علوم و فنون ادبی و دینی و

۱. مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲. روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۶۹.

۳. الغدیر، ج ۴، ص ۲۶۵.

و شاید قدیمی‌ترین کتاب جامع اصولی شیعه در این علم باشد که هنوز ارزش و طراوت خود را پس از گذشت هزار سال حفظ کرده است.

<sup>۳</sup>. دیوان شعر سید<sup>ره</sup>: مرحوم شیخ طوسی<sup>ره</sup> دیوان علم الهدی را مشتمل بر بیش از بیست هزار بیت شعر دانسته و او را سرآمد شاعران عصر خود معرفی نموده است.<sup>۲</sup> و این در حالی است که قرن چهارم و پنجم، عصر طلایی شعر و شکوفایی ادبیات عرب بوده است.<sup>۳</sup>

<sup>۴</sup>. کتاب امالی؛ امالی سید<sup>ره</sup>: همان کتاب مشهور «غدر الفوائد» در «القلائد» است. این کتاب که وصف آن در گفتار علمای عامه، خاصه، این خلکان آمده، گنجینه‌ای از علوم و

۲. مفاخر اسلام، ج<sup>۳</sup>، ص ۲۸۴.

۳. لازم به ذکر است که دیوان سید<sup>ره</sup> در سه جلد، توسط رشید الصفار، و تحقیق و بررسی دکتر مصطفی جواد، و مقدمه شیخ محمد رضا شبیی در مصر به سال ۱۳۷۶ هجری چاپ و منتشر شده است.

زحمات معتزله را در این راه بلا اثر ساخته است. این کتاب توسط شاگرد نایفه‌اش، شیخ طوسی<sup>ره</sup> خلاصه شده و به نام «تلخیص الشافی» معروف است.

در اهمیت کتاب الشافی، همین بس که امام خمینی<sup>ره</sup> می‌فرماید: «کتاب «الشافی» سید مرتضی<sup>ره</sup> از بهترین کتابها و مشهورترین مصنفات در این باب است که در دسترس همه است ... هر چه متأخرین درباره امامت نوشته‌اند، کمتر از آن است که «الشافی» سید مرتضی<sup>ره</sup> تحقیق کرده است.»<sup>۱</sup>

۲. کتاب الذریعه؛ این کتاب در علم اصول فقه نگاشته شده است و سید در این کتاب، یک دوره علم اصول فقه متداول آن زمان را که اساس و پایه استنباط احکام شرعی و فقه استدلالی شیعه بوده است گرد آورده

۱. کشف الاسرار، امام خمینی<sup>ره</sup>، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>ره</sup>، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۶۹.

ناصریه، مسائل طرابلسیه، مسائل موصلیه، و ... و نشان از این دارد که آن بزرگوار با همه اشتغالات علمی، اجرایی و تربیت شاگردان، با مردم جامعه خود نیز ارتباط تنگاتنگی داشته و عالمی در خدمت دین و مردم بوده است و به معضلات و مشکلات فکری و اعتقادی جامعه اهمیت می‌داده و به آنها رسیدگی می‌نموده است.

**سید مرتضی<sup>ره</sup> و مسئولیتهاي اجتماعی**  
علم الهدی علاوه بر فعالیتهاي علمی و فرهنگی، بعد از رحلت برادر بزرگوارش، سید رضی<sup>ره</sup> در سال ۴۰۶ق، مسئولیت نقابت و امارت حج و نظارت بر دیوان مظالم را به عهده گرفت.

از زمان خلفای جور اموی تا زمان معتضد عباسی، فرزندان علی<sup>علیه السلام</sup> همیشه تحت تعقیب و مراقبت خلفا و ماموران آنان بودند. هنگامی که معتضد عباسی در سال ۲۷۹ق،

فنون شعر، لغت، ادب، تفسیر، تاریخ، حدیث، تراجم و غیره است و به تنها ی خود بهترین گواه بر احاطه و سلط و مهارت سید مرتضی<sup>ره</sup> در فنون یاد شده، می‌باشد.

۵. المقنع؛ این کتاب در باب غیبت و مسائل آن تالیف شده است.

پرداختن به مصنفات و تأیفات مرحوم علم الهدی، خود مقالی مفصل می‌طلبد که علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب مربوطه مراجعه نمایند. نکته مهمی که در تأیفات وی وجود دارد این است که ایشان در هر زمینه‌ای وارد تحقیق شده‌اند، سنگ تمام را گذاشته و آنچه در آن موضوع قابل بحث و تحقیق بوده، بیان کرده‌اند.

با مراجعه به تأیفات مرحوم علم الهدی در می‌یابیم که تعداد زیادی از کتابهای او درباره مسائل آن روز جامعه و بعضی از آنها در پاسخ به سوالات افراد در شهرهای مختلف آن ایام بوده است؛ همانند کتاب مسائل

می کرد و او را به عنوان امیر الحاج  
قرار می داد.

نظرات بر دیوان (که در آن بر  
اعمال حکام و امراء نظارت می شد)  
نیز یکی از مسئولیت‌های خطیر  
اجتماعی بود.

این سه مسئولیت مهم در سال  
۴۰۶ قمری، بعد از وفات مرحوم سید  
رضی<sup>علیه السلام</sup> به برادرش سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup>  
واگذار شد و تا آخر عمر آنها را به  
عهده داشت و به خوبی از انجام امور  
مربوط به آنها برآمد.

شایسته ذکر است که انگیزه سید  
مرتضی<sup>علیه السلام</sup> و برادرش سید رضی<sup>علیه السلام</sup> از  
پذیرش این مسئولیتها، خدمت به دین  
و مردم بود؛ از این‌رو است که می‌بینیم  
او به پیروی از جد بزرگوارش، به  
وضع بیچارگان و محرومان جامعه  
خود آنچنان خدمت کرد که مرحوم  
حلبی می‌نویسد: «او پیوسته مراقب  
حال مستمندان و مواطن بسیاری از  
خانواده‌های نیازمند بود و برای افراد

حکومت و خلافت را در دست  
گرفت، موضوع احترام به علییان و  
تعیین سرپرست برای آنان مطرح  
گردید، و در هر شهری یکی از  
بزرگان شیعه و سادات یا علمای  
علوی، نقابت (سرپرستی) سادات آن  
شهر یا منطقه را عهده‌دار شد.

این افراد علاوه بر نظارت بر نسب  
و دفاع از حقوق و حفظ شرافت  
садات علوی، موظف بودند در میان  
آنان قضاوت کنند و سرپرستی اموال  
و دارایی یتیمان را بر عهده گیرند.  
کسی که این مسئولیتها را به عهده  
می‌گرفت، بایستی دانشمند و مجتهد  
بوده، قضاوت او معتبر و نافذ باشد.<sup>۱</sup>

در آن عصر، امارت حج هم  
مسئولیت بزرگی بود که معمولاً  
شخص خلیفه آن را بر عهده داشت؛  
ولی گاهی خلیفه این مسئولیت را به  
شخصی که شایستگی داشت واگذار

۱. برگرفته از کتاب الغدیر، ج ۴، ص ۲۰۵ به بعد.

مفید<sup>ره</sup> تحصیل کرده است، می‌نویسد: «او علومی را فرا گرفت که هیچ کس در زمان او به پایه او نرسید.»<sup>۳</sup>

«ابوالحسن عمری» که از اعاظم علمای امامیه و هم‌عصر سید<sup>ره</sup> است، می‌گوید: «شريف اجل مرتضی، علم الهدی، نقیب النقباء و فقیه صاحب نظر .... من او را دیده‌ام، [او] دارای فصاحت زبان [بوده]، و آثار هوش از جیش ساطع بود.»<sup>۴</sup>

«ابن شهر آشوب» (متوفای سال ۵۸۸ هجری) از سید<sup>ره</sup> بدین گونه یاد می‌کند: «او در همه دانشها بر دیگران پیشی داشت.»<sup>۵</sup>

«علامه حلی» (متوفای سال ۷۲۶ هجری) او را چنین وصف می‌کند: «سید مرتضی<sup>ره</sup> در علوم بسیاری یگانه بود. دانشمندان ما بر وفور فضل

۳. رجال نجاشی، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۴. ۱۹۲ ص.

۵. مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۲۷۱.

۶. همان، ص ۲۷۲.

بی‌بضاعت ماهانه مبلغی مقرر می‌داشت که خود آنان از منبع آن خبر نداشتند و پس از رحلت سید که ماهانه آنها قطع گردید، متوجه شدند.»<sup>۱</sup>

### سید مرتضی<sup>ره</sup> از منظر عالمان شیعه و سنتی

#### الف. عالمان شیعه

مرحوم شیخ طوسی<sup>ره</sup> (متوفای ۴۰۶ هجری) می‌گوید: «او (سید مرتضی) در علوم بسیار، یگانه روزگار بود. کلیه دانشمندان درباره والایی فضل و دانش او، اتفاق نظر دارند، در دانش‌هایی همچون علم کلام، فقه و اصول، ادب و نحو، شعر و معانی، لغت و غیره بر همه کس مقدم بود.»<sup>۲</sup>

«نجاشی» عالم رجالی شیعه (متوفای ۴۵۰ هجری) که هم‌عصر سید<sup>ره</sup> بوده و با او در محضر شیخ

۱. سیماه فرزانگان، رضا مختاری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۳۶۶.

۲. فهرست شیخ طوسی، ص ۹۹.

ممتاز گردانید. دانشمندان مخالف و موافق درباره فزونی فضیلش اتفاق نظر دارند و بر تقدیمش بر تمامی دانشمندان پیشین و پسین، معترف می‌باشند.<sup>۲</sup>

ب. عالمان اهل سنت و عامه:  
با اینکه علمای اهل سنت، در طول تاریخ سعی داشته‌اند کمتر از مفاخر شیعه نام ببرند و آنها را مورد ستایش قرار دهند، مع الوصف سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup> را بسیش از دیگران یاد کرده‌اند. و پیرامون او سخن گفته‌اند، که به اختصار به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

«عبد الملک ثعالبی» (متوفای سال ۴۲۹ هجری) که هم‌عصر سید<sup>علیه السلام</sup> بوده است، ضمن تجلیل از او می‌گوید: «امروز در بغداد، ریاست عالی علمی و دینی در مجده و شرافت، علم و

و دانش او اتفاق نظر دارند. در دانش‌هایی مانند کلام، فقه و ادب و امثال اینها بر همگان مقدم بود.»<sup>۱</sup>

هر گاه در مجلس خواجه نصیر الدین طوسی<sup>علیه السلام</sup> از سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup> نام برده می‌شد، خواجه با آن مقام عالی علمی و تبحری که در علوم عقلی و نقلی داشت، می‌گفت: «صلوات الله عليه» پس از آن روی می‌کرد به حاضرین مجلس و می‌فرمود: «چگونه می‌شود به نام سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup> رسید و صلوات بر او نفرستاد.»<sup>۲</sup>

«علامه بحر العلوم» (متوفای سال ۱۲۱۲ هجری) که دریایی از دانش بود، درباره علم الهدی، سید مرتضی<sup>علیه السلام</sup> می‌گوید: «او سرور علمای اسلام و پس از ائمه اطهار از همه کس برتر است. او دانش‌هایی گرد آورد که نصیب هیچ کس نشد و از فضائلی برخوردار گردید که او را از همه کس

۳. رجال، علامه بحر العلوم، انتشارات مکتب الصادق<sup>علیه السلام</sup>، تهران، ج ۲، ص ۸۷؛ مفاخر اسلام

ج ۳، ص ۲۷۵.

۱. همان.

۲. الغدیر، ج ۴، ص ۲۶۸.

ادب، فضل و کرم، به مرتضی متنه  
شده.<sup>۲</sup>

گرفته است.<sup>۳</sup>  
«ابن حجر عسقلانی» (متوفای سال

۸۵۲ هجری) می‌نویسد: «او نخستین  
کسی است که خانه‌اش را «دار العلم»  
قرار داد. هنوز کمتر از بیست سال  
داشت که به مقام عالی رسید. او به  
ریاست دنیا از راه علم با عمل نائل  
گشت. او بر تلاوت قرآن مجید و  
نماز شب و افاده و نشر علومی که  
اندوخته بود، مواظبت داشت.<sup>۴</sup>

بسیاری از دانشمندان عامه، امثال:  
یاقوت حموی، سیوطی، ابن اثیر،  
یافعی، ابن حوزی، ابن خلکان و  
دیگران، هر کدام به اجمال و یا  
تفصیل از سید مرتضی<sup>۵</sup> نام برده و  
به مقام علمی و معنوی او اشاراتی  
داشته‌اند.

### لقب علم الهدی

در مورد اعطاء لقب علم الهدی به

«ابو العلای معری» دانشمند نابغه  
سنی (متوفای سال ۴۹۹ هجری)  
هنگامی که از وی راجع به سید  
مرتضی سؤال شد، که «او را چگونه  
یافتی؟» در پاسخ به دو بیت شعر  
قناعت کرد که این دو بیت به تنها ی  
گویای عظمت شخصیت کم‌نظیر علم  
الهدی است:

یا سائلی عنہ لما جئت تستله  
الا و هو الرجل العاری من العار  
لو جئته لرأیت الناس فی رجل  
والدهر فی الساعه والارض فی دار  
«ای کسی که آمده‌ای تا راجع به  
سید مرتضی از من سؤال کنی! بدان  
که او از هرگونه نقص و عیبی پیراسته  
است. اگر او را بینی، خواهی دید که  
وجود همه مردم، در مردمی جمع شده  
و روزگار در یک ساعت متمرکز  
گردیده و جهان در یک خانه قرار

.۲. الغدیر، ج ۴، ص ۲۷۳.

.۳. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، بیروت،

نشر مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۲۳.

.۱. مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۲۷۴.

مرتضی<sup>ؑ</sup> را از قبول این لقب، برای خلیفه بیان کرد. خلیفه پیام فرستاد که شایسته است لقبی را که از سوی جدّ شما داده شده است، پذیری و اباء نکنی. سپس حکم شد که منشیان در نامه‌های رسمی و عموم مردم، او را با این لقب بخوانند و بدین‌گونه ملقب به «علم الهدی» گردید.<sup>۱</sup>

### وصیت سید

سید<sup>ؑ</sup> در وصیت خود می‌فرماید: «تمام نمازهای واجب مرا که در طول عمرم خوانده‌ام، به نیابت از من دوباره بخوانید». دوستان پرسیدند: «چرا؟ شما فردی وارسته بودید و اهمیت فوق العاده‌ای به نماز می‌دادید، شما عاشق نماز بودید و همیشه قبل از فرا رسیدن وقت نماز وضو گرفته، آماده می‌شدید تا وقت نماز فرا رسد، حال چگونه این چنین وصیت می‌کنید؟»

علم الهدی<sup>ؑ</sup> در پاسخ فرمود:

مرحوم سید<sup>ؑ</sup> نکته‌ای شنیدنی وجود دارد. در این باب مورخین نگاشته‌اند که ابوسعید محمد بن حسین، وزیر القادر بالله، در سال ۴۲۰ هجری بیمار شد. شبی در عالم خواب دید که امیرالمؤمنین علی<sup>ؑ</sup> به او می‌فرماید: «به علم الهدی بگو تا برای تو دعا کند تا از بیماری بهبود یابی». وزیر گفت: «یا امیرالمؤمنین! علم الهدی کیست؟» فرمود: «علی بن الحسین موسوی است». چون از خواب برخاست، نامه‌ای به سید<sup>ؑ</sup> نوشت که برای او دعا کند و در آن نام او را علم الهدی خواند. سید مرتضی<sup>ؑ</sup> با دیدن نامه برآشافت و از وزیر خواست که او را با این لقب بزرگ نخواند، وزیر گفت: «به خدا قسم! امیرالمؤمنین علی<sup>ؑ</sup> امر فرمود که شما را به این لقب بخوانم». بعد از آنکه وزیر از دعای سید<sup>ؑ</sup> شفا یافت، جریان خواب خود و امتناع سید

سبقت را از دیگران ربود و الگو قرار گرفت.

### وداع با علم الهدی علیه السلام

مرحوم سید مرتضی علیه السلام سرانجام پس از سالها تلاش بی وقفه و عمری پژوهش و پربار و انجام کارهای بزرگ و ارزنده، در حدود هشتاد سالگی در شهر بغداد به جوار حق شافت، و با مرگ او یکی از چهره‌های نورانی آسمان تشیع افول کرد، اما نام او در تاریخ پرآوازه و ماندگار خواهد ماند. در کتاب رجال بحر العلوم آمده است: «به من خبر رسید که بعضی از فرمانروایان روم، قبر مرحوم سید مرتضی علیه السلام را نبش کردند و دیدند که بدن او بعد از پانصد سال و اندی، تازه است و تغیری در او حاصل نشده و آثار حنا هنوز در دستها و موهای صورت مبارکش وجود داشته است».<sup>۲</sup>

۲. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران، نشر معروف، قم، ۱۳۷۹ ش، ص ۶۸.

«آری، من علاقه‌مند به نماز، بلکه عاشق نماز و راز و نیاز با خالق خود بودم و از راز و نیاز هم لذت فراوان می‌بردم؛ از این‌رو همیشه قبل از فرا رسیدن وقت نماز، لحظه‌شماری می‌کردم تا وقت نماز برسد و این تکلیف الهی را انجام دهم و به دلیل همین علاقه شدید و لذت از نماز، وصیت می‌کنم که تمام نمازهای مرا دوباره بخوانید؛ زیرا تصور من این است که شاید نمازهای من خالص برای خدا انجام نشده باشد، بلکه در صدی از آن برای لذت معنوی خودم باشد و این شایسته درگاه الهی نیست».<sup>۱</sup>

آری، اشتغالات علمی، اجتماعی و سیاسی سید مرتضی علیه السلام، نه تنها جلوی جلوه‌های عبادی و معنوی او را سد نکرد، بلکه او در این میدان هم، گوی

۱. سید مرتضی پرچمدار علم و سیاست، محمود شریفی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴ ق، ص ۴۶.